روزنامه شرق
۳۲ صفحه
چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۵ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۳ مه ۲۰۰۶
سال سوم ■ شماره ۷۵۰ ■ ۳۲ صفحه ■ ۱۵۰ تومان

غفلت فمینیست‌های ایرانی

مقاله‌ای از حمیدرضا جلایی‌پور

به اعتقاد من، توجه به ویژگی‌های «خانواده مدنی»، تبلیغ و تحکیم آن در جامعه ایران یکی از اقدامات راهگشا و رهایی‌بخش است. متاسفانه علاقه‌مندان به اصلاح جامعه در ایران تاکید بر ویژگی‌های «خانواده مدنی» را در عرصه عمومی کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. در میان علاقه‌مندان مذکور، فمینیست‌های ایرانی (یا مدافعان حقوق برابر زنان و مردان) بیش از سایر نیروهای تاثیرگذار می‌توانند نقش مؤثری در معرفی و تحکیم «خانواده مدنی» ایفا کنند که البته نمی‌کنند و . . . صفحه ۱۸

آشتی با فلسفه

ویژه‌نامه نمایشگاه کتاب ضمیمه روزانه شرق

خشایار دیهیمی آنقدر آشنا هست که نیاز به معرفی مقدماتی نداشته باشد. اگر هم کسی نیازی به معرفی شدن او احساس می‌کند، خود این مصاحبه بهترین معرفی از اوست. مرد انتشار مجموعه‌های به‌هم پیوسته، اینک برای نمایشگاه کتاب امسال مجموعه تازه‌ای آماده کرده است. این مجموعه را ناشر اغلب کارهای او، انتشارات طرح نو با مدیریت حسین پایا، منتشر می‌کند. کل مجموعه «نام‌آوران فرهنگ» نام دارد و هر کتاب با عنوان «فلسفه . . . صفحه‌های ۲۵ تا ۲۸

تیترها

استفاده امیر قطر از تعبیر خلیج فارس عربی در تهران

صفحه ۲

آقازاده خبر داد:

غنی‌سازی ۴/۸ درصدی اورانیوم در ایران

صفحه ۲

سخنگوی قوه قضائیه:

تغییر دادستان تهران شایعه است

صفحه ۷

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴۳۱۰ تومان
سکه تمام بهار «طرح جدید»	۱۵۰۰۰۰ تومان
نیم سکه	۷۴۰۰۰ تومان
دلار	۹۱۸ تومان
یورو	۱۱۶۲ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۴۹۷/۱

وزیر نیرو در اولین گفت‌وگوی اختصاصی خود با مطبوعات به شرق گفت:

غنی‌سازی صنعتی تا پایان امسال

گروه اقتصادی، رضا زندی: نقل قولی از ارنستو چه‌گوارا به ضمیمه خاطره‌ای از جلال طالبانی گذشته‌اش را به امروز الصاق می‌کند. چریک زمان جنگ وزیر دولت اسلامی شده است. هشت سال تمام در جبهه بوده، مدت‌ها به عنوان نیروی ارشد یگان ویژه در داخل خاک عراق انجام وظیفه کرده اما امروز واقعیات پس از جنگ را پذیرفته است. کت و شلوار مرتب می‌پوشد. به ساختمان شیک تقاطع نیایش نقل مکان می‌کند و معتدل و منطقی سخن می‌گوید. هم از وزرای نزدیک به رئیس‌جمهور است، هم برخلاف مشی دوران جدید خدمات دولت‌های گذشته را قلم نمی‌گیرد: «آنچه در کشور اتفاق افتاده آشی است که همه پخته‌اند.» سیدپرویز فتاح معقول‌ترین رفتار را در وزارت نیرو داشته است. وی در نخستین گفت‌وگوی مطبوعاتی اختصاصی‌اش میزبان شرق شد. دفتری فراخ، مشرف به پارک ملت. مصاحبه از نحوه آشنایی با رئیس‌جمهور و دوران دفاع مقدس شروع شد و تا چگونگی انتخابش برای وزارت نیرو، چگونگی تصمیم دولت برای تغییر ندادن ساعت رسمی و سفرهای استانی پیش رفت. سیدپرویز فتاح از قول سازمان انرژی هسته‌ای برای غنی‌سازی صنعتی تا پایان امسال سخن به میان آورد و جزئیات ساخت دو نیروگاه هسته‌ای جدید را عنوان کرد. آخرین وضعیت آب، برق و آب و فاضلاب را تشریح کرد و از قامت یک عضو کابینه به انتقادات صریحی که از دولت مطرح می‌شود متین پاسخ داد.

■■■

■ اجازه بدهید گفت‌وگویمان را از سابقه آشنایی‌تان با آقای رئیس‌جمهور شروع کنیم. شما دکتر احمدی‌نژاد را از کجا می‌شناسید؟

ابتدا لازم می‌دانم که در ابتدای صحبت از شما و روزنامه‌تان تشکر کنم. در این مدتی که ما بودیم روزنامه شرق برخورد منطقی داشته، حداقل با حوزه وزارت نیرو. ضمن اینکه کار حرفه‌ای خودش را انجام داده ولی یک برخورد منطقی دیده‌ایم که برای خودمان هم جالب بود اما در پاسخ به سئوال شما باید عرض کنم که آقای دکتر احمدی‌نژاد در اوایل انقلاب در استان آذربایجان غربی بود.

■ در چه سالی؟

سال‌های ۵۸ و ۵۹. آن موقع ایشان فرماندار ماکو، خوی بودند و در استانداری هم حضور داشتند. در آن مقطع دانشگاه‌ها هم به دلیل انقلاب فرهنگی تعطیل شده بود.

■ در کدام دانشگاه بودید؟

دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف بودم. ولی چون دانشگاه‌ها تعطیل شده بود ما هم از طریق جهاد رفتیم به استان آذربایجان غربی تا در کارهای منطقه کمک کنیم و در همان جا با آقای دکتر احمدی‌نژاد آشنا شدیم. بیشتر در جلسات استانداری و جلساتی که به رسم آن موقع با حضور همه مسئولان استان (از جمله امام جمعه) تشکیل می‌شد یکدیگر را می‌دیدیم.

■ آقای احمدی‌نژاد چطور به استان آمده بود؟

آنها هم تیمی از دانشگاه علم و صنعت بودند. چون استاندار وقت آذربایجان غربی از اساتید دانشگاه علم و صنعت بود آقای احمدی‌نژاد هم با آنها آمده بود. من و آقای دکتر در آنجا آشنا شدیم. البته آشنایی‌مان زیاد نبود. چون حوزه کاری ما جهاد بود و آنها در استانداری بودند. بعد از آن مقطع از یکدیگر جدا شدیم تا دوباره در جریان دفاع مقدس همدیگر را دیدیم.

■ فکر می‌کنم ماجراهای زمان جنگ شما با آقای احمدی‌نژاد هم جالب باشد. مایلم درباره آن مقطع توضیح بدهید؟

در دوره دفاع مقدس در جاهای مختلف بودم اما از سال ۱۳۶۵ رفتم کرمانشاه.

■ از چه سالی وارد سپاه پاسداران شدید؟

بالاخره ما بسیجی بودیم. من از روز اول جنگ تا روز آخر به صورت بسیجی وارد این عرصه شدم: در کرمانشاه که بودم آقای احمدی‌نژاد هم در کردستان مسئولیتی داشت و معاون استاندار بود. در آن زمان چون ما به کمک استانداری‌ها در ارتباط با هماهنگی مرزها نیاز داشتیم با آقای احمدی‌نژاد یک مراوده کاری داشتیم.

■ تحت چه عنوانی در کرمانشاه بودید؟

من در یکی از یگان‌های ویژه برون‌مرزی مسئولیت داشتم. آقای احمدی‌نژاد هم در استانداری کردستان بودند. چون مسائل کردستان حساس بود و بحث عراق را هم داشتیم. بالاخره با یگان‌های آنجا یک مراوده کاری داشتند. ما باز در آنجا با آقای احمدی‌نژاد ارتباطاتی داشتیم. البته رابطه‌مان، رابطه خیلی نزدیک کاری نبود. اما بالاخره ایشان را می‌دیدیم و رابطه داشتیم. تا اینکه جنگ تمام شد.

■ بعد از جنگ چه؟

پس از پایان جنگ من با آقای احمدی‌نژاد دیگر ارتباطی نداشتم تا زمانی که بنده در حوزه سدهای کرخه و کارون مشغول انجام وظیفه بودم و ایشان استاد دانشگاه علم و صنعت بودند. یکی دو بار آقای احمدی‌نژاد دانشجویان را برای پروژه‌هایشان به بازدید سدها آوردند. در آنجا دوباره به هم برخوردیم. من به عنوان پیمانکار در سدها حضور داشتم و ایشان هم می‌خواست دانشجویان را با حوزه پیمانکاری آشنا کند. آنجا هم با یکدیگر مراوده نه چندان نزدیکی داشتیم. بعد از آن دیگر با هم ارتباطی نداشتیم تا زمان ریاست جمهوری که دوباره با هم شدیم.

■ یگان ویژه‌ای که در زمان جنگ در آن حضور داشتید همان یگانی است که آقای سیدصادق محصولی (دومین کاندیدای وزارت نفت) در آن حضور داشتند؟

بله.

■ فرمانده آن یگان آقای محصولی بودند؟

بله. همین طور است. من هم در آن یگان بودم. البته من قبل از حضور در آن یگان در فاو (جنوب کشور) بودم. منتها چون یگان برون‌مرزی بود ما را هم دعوت کردند. بنده هم رفتم و دو سالی در آن منطقه بودم.

■ شنیده‌ام که دکتر احمدی‌نژاد در مقطعی فرمانده مهندسی همان یگان ویژه بودند.

آنجا قرارگاه رمضان بود. سرشاخه‌ها و گرایش‌های مختلفی هم داشت. آقای احمدی‌نژاد هم در بخش مهندسی بودند. قرارگاه رمضان یک قرارگاه مفصل بود. ایشان هم به جهت آنکه در استانداری بودند و امکانات در اختیارشان قرار داشت و می‌خواستند یگان‌ها را حمایت کنند حضور داشتند.

■ یعنی آقای محصولی فرمانده قرارگاه رمضان بود و شما قائم‌مقامش؟

خیر. آقای محصولی فرمانده یکی از یگان‌ها بود. اگر اشتباه نکنم در آن مقطع فرمانده قرارگاه رمضان آقای ذوالقدر بود.

■ شما قائم‌مقام آقای محصولی بودید؟

من هم در بخش‌هایی از کار که بیشتر مهندسی بود حضور داشتم.

■ پیش از اینکه وارد دوره وزارت شما بشوم مایلم کمی در خصوص دفاع مقدس صحبت کنیم. به هر حال دوران دفاع مقطع تاریخی و ماندگار کشور است. جا دارد یکی از خاطرات‌تان را نقل کنید؟

خاطره زیاد است. اما به یکی از خاطرات جالب اشاره می‌کنم. در آبان‌ماه سال ۶۶ در منطقه دربندی خوان و دوکان عراق بودیم.

■ چند کیلومتر داخل خاک عراق بود؟

فکر کنم حدود ۱۵۰ کیلومتر در داخل خاک عراق بودیم. من رفته بودم تا ماموریتی انجام دهم. چند ماهی در آنجا حضور داشتم. آقای طالبانی که الان رئیس‌جمهور عراق هستند در منزلشان مهمانی داده بود. آن وقت‌ها آقای طالبانی هم با رژیم بعثی وارد جنگ شده بود. ما هم برای هماهنگی یک عملیات برون‌مرزی در داخل عراق بودیم. یکی دو روز در منطقه یاق‌سمر در منزل آقای طالبانی مهمان بودیم. وضعیت خیلی سختی بود چون وسیله و امکانات نداشتیم. برای رسیدن به منطقه یاق‌سمر شاید دو تا سه روز پیاده‌روی کرده بودیم چون همه جا نیروهای عراقی حضور داشتند.

■ به صورت ناشناس هم رفته بودید؟

بله. کاملاً.

■ خاطره‌تان را با آقای طالبانی نگفتید.

این خاطره‌ای را که می‌خواهم عرض کنم وقتی آقای طالبانی به عنوان رئیس‌جمهور عراق به ایران آمد به آقای احمدی‌نژاد نقل کرد. زمان جنگ در منطقه یاق‌سمر وقتی مهمان منزل آقای طالبانی بودیم ایشان به احترام ایرانی‌ها غذای مفصلی تدارک دیده بود. من هم درست روبه‌روی ایشان نشسته بودم. من معمولاً غذا کم می‌خورم. یک دفعه آقای طالبانی رو به من کرد و گفت: «کاکا چرا شما غذا کم می‌خوری؟» عرض کردم: «عموماً غذا کم می‌خورم.» جواب داد: «ببین آقای فتاح، ارنستو چه‌گوارا (مبارز مکزیکی) می‌گوید، چریک هرجا رسید باید تا می‌تواند بخورد. چون ممکن است دیگر غذا گیرش نیاید.» این را گفت و با دستش ران بوقلمونی را کند و جلوی بنده گذاشت. گفت بخور چون فردا ممکن است گیرت نیاید. سال‌ها بعد ایشان با سمت رئیس‌جمهوری عراق و بنده به عنوان وزیر نیروی ایران دوباره به هم رسیدیم.

■ جنگ که تمام شد چه کردید؟ به کجا رفتید؟

سه ماه پس از پایان جنگ، همچنان در منطقه بودیم. بعد از آن به تهران برگشتم و واحدهای باقی‌مانده از دوران دانشجویی‌ام را گذراندم. در یک کار بی‌سابقه، هر ترم ۲۶ واحد برداشتم. با توجه به سختگیری دانشگاه صنعتی شریف در دو ترم واحدهای باقی‌مانده را گذراندم و در رشته مهندسی عمران فارغ‌التحصیل شدم.

■ به هنگام معرفی کابینه پیش از اینکه نام شما به عنوان کاندیدای تصدی وزارت نیرو مطرح شود بحث وزارت آقای چیت‌چیان (قائم‌مقام فعلی وزارت نیرو) بسیار جدی بود. خاطرم هست این مسئله آن‌قدر جدی شد که در مهمانی خداحافظی آقای بیطرف با خبرنگاران به ایشان تبریک گفتیم. در مقطعی هم آقای سقائیان (شهردار اصفهان) برای تصدی وزارت مطرح شد. یادم می‌آید غروب روزی که نام شما قطعی شد تلفنی خواستم تا اصول کلی برنامه‌تان را ارائه کنید. گفتید یکی دو روز پیش به شما گفته‌اند و هنوز فرصت تدوین برنامه نداشته‌اید. ماجرا چه بود؟

فکر کنم این سئوال را بیشتر باید از آقای رئیس‌جمهور و تیمی که وزرا را پیشنهاد می‌کرد بپرسید. آن تیم برای همه وزارتخانه‌ها با چندین نفر مصاحبه کرده بودند. یعنی فقط برای بنده نبود که در روزهای آخر قطعی شد. من اصلاً نمی‌دانستم آن تیم با چند نفر مصاحبه کرده است. یک روز با من هم مصاحبه کردند.

■ تیم مصاحبه‌کننده وزرا چه کسانی بودند؟

تا آنجا که به خاطر دارم آقای دکتر فرهاد رهبر، آقای دکتر دانش‌جعفری و آقای الهام جزء تیم مصاحبه‌کننده بودند. این تیم یک روز با من هم مصاحبه کرد.

■ چه زمانی با شما مصاحبه کردند.

حدود دو هفته پیش از آنکه اسمم مطرح بشود. مصاحبه که تمام شد گفتند ما با خیلی‌ها مصاحبه می‌کنیم. بنابراین بدون اینکه قول و قراری گذاشته شود خداحافظی کردیم.

■ چه کسی شما را به آن تیم معرفی کرده بود؟ از چه جناحی کاندید شده بودید؟

نمی‌دانم. ظاهراً تیم مصاحبه‌کننده خودش تیم‌های مشورتی از جاهای مختلف داشت. آقای دکتر احمدی‌نژاد هم به صورت ضمنی من را می‌شناخت. اما ارتباط خاصی نداشتیم. دو سال بود که ایشان را ندیده بودم. حتی در طول انتخابات هم با ایشان ارتباط نداشتم.

■ اینکه گفته می‌شد آقای محصولی شما را معرفی کرده‌اند درست است؟

بعید می‌دانم. یادم هست تابستان سال گذشته به همراه خانواده‌ام از یک مسافرت برمی‌گشتم. ساعت یازده شب در اتوبان قزوین ـ زنجان بودم که تلفن همراهم زنگ خورد. از ریاست‌جمهوری بود. گفتند آقای فتاح فردا ساعت ۱۱ صبح اینجا باش. همین. حتی خاطرم هست که وقتی به ریاست‌جمهوری رفتم نمی‌دانستم باید از کدام در مراجعه کنم. یک ساعت آنجا معطل شدم. به هر کس رجوع می‌کردم می‌گفتند: آقا ما نه تو را می‌شناسیم و نه کسی سفارش شما را کرده است. حالا هرچه من می‌گفتم که دیشب تلفنی گفته‌اند بیایم کسی قبول نمی‌کرد. بعد خودم به شک افتادم. گفتم نکند اشتباهی شده باشد. بالاخره با اصرار من به آقای دکتر (احمدی‌نژاد) یا آقای دانش‌جعفری اطلاع دادند و راه برای ورودمان هموار شد.

■ بعد از مصاحبه چه اتفاقی افتاد؟

روزهای آخر از طرف آقای دکتر (احمدی‌نژاد) به من تلفن زدند. خدمت ایشان رسیدم و شخصاً صحبت‌های مفصلی انجام دادند.

ادامه در صفحه ۱۰

خلاصه گفتگو

۱- به گفته آقایان از پایان امسال کشور می‌تواند سوخت هسته‌ای را در وسعت هسته‌ای تولید کند.

۲- پیشنهاد من این است که برای احداث نیروگاه هسته‌ای دوم از توانمندی بخش خصوصی استفاده کنیم.

۳- من در یکی از یگان‌های ویژه برون‌مرزی مسئولیت داشتم و آقای احمدی‌نژاد به‌دلیل حضور در استانداری کردستان با یگان‌های آنجا مراوده کاری داشتند.

۴- آقایان رهبر، دانش‌جعفری و الهام جز تیم مصاحبه‌کننده وزرا بودند.

۵- بارها گفته‌ام آنچه در کشور اتفاق افتاده آشی است که همه پخته‌اند.

۶- الان دولت فکر می‌کند که تغییردادن ساعت کار درستی بوده است، این می‌تواند یک آزمون باشد.

عکس: مهدی حسنی، شرق

سرمقاله

گفت‌وگو با سنت به مثابه یک راهبرد

جایگاه دموکراسی‌خواهان در اختلاف میان دولت و مراجع کجاست؟

محمدجواد روح

با گذشت یک هفته از اعتراضات مراجع و روحانیون به دستور احمدی‌نژاد درباره ورود زنان به ورزشگاه‌ها فرجام کار نامشخص مانده است. گرچه نشانه‌هایی وجود دارد که این دستور در باطن به اجرا درنمی‌آید و در ظاهر هم پس گرفته نمی‌شود، اما این نشانه‌ها چنان روشن نیست که چشم‌انداز ماجرا را روشن سازد. این ابهام در عین حال امکانی به دست می‌دهد تا زوایای متفاوت تحلیلی ماجرا گشوده شود و بحث‌هایی درباره شرایط خاص جامعه ایران درگیرد. یکی از این زوایا موقعیت نیروهای خواستار دموکراسی در میانه این اختلاف است. البته برخی تحلیلگران اعتقاد دارند در مواردی که درون اردوگاه محافظه‌کاران و در میان دو طیف سنت‌گرا و رادیکال آن و یا در بین طیف‌های اجتماعی و سیاسی آن اختلافاتی حادث می‌شود، صواب آن است که هواداران دموکراسی سکوت پیشه کنند و نشسته در بیرون گود، به چالش درونی رقیب بنگرند. این استدلال طبیعتاً به عنوان یک توصیه کلی مقبول و محل تامل است. چه، تنها این کودکان دبستانی هستند که وقتی میان دو همکلاسی در حیاط مدرسه مشاجره درمی‌گیرد، جمعی دیگر هم به آنان می‌پیوندند و در این مشاجره سهیم می‌شوند. اما آیا این توصیه عقلی در همه موارد صائب است. و این اصل کلی همه اجزا را دربرمی‌گیرد؟ به نظر می‌رسد در چنین مواردی نیروی طرفدار دموکراسی غیر از نظاره جدال شایسته است که تاثیر آن بر خواست خویش را نیز بسنجد. این خواست همان است که «پروسه دموکراتیزاسیون» نامیده می‌شود. پروسه (روند)ای بس پیچیده، سنگین و زمان‌بر که تحت تاثیر تحولات سیاسی، دچار فراز و نشیب و افت و خیز می‌شود. این امر به ویژه در شرایط کنونی اهمیت می‌یابد. چرا که در حال حاضر فضای سیاسی به گونه‌ای است که پروسه دموکراتیزاسیون در حالت تعلیق و رکود و حتی پسرفت قرار دارد و از این رو است که باز نگاه داشتن اندک پایگاه‌های دموکراسی و منافذ رویش و خیزش دوباره از اهمیتی ویژه برخوردار می‌شود، اما پیش از بحث درباره جزئیات این امر و نسبت آن با اختلاف شکل گرفته میان مرجعیت و دولت شایسته است ابعاد این ماجرا گشوده شود تا نتیجه‌ای که در نهایت گرفته می‌شود، یکسره به چوب منتقدان رانده نشود.

■■■

اما ابعاد این ماجرا چیست؟ در یک تحلیل کلان رخدادهای عمده سیاسی هر جامعه را می‌توان حول شکاف‌هایی به تحلیل و تفسیر نشست. مثلاً در حوادث اخیر فرانسه که با اعتصاب گسترده دانشجویان و کارگران علیه قانون جدید کار همراه بود و در نهایت به عقب‌نشینی دولت از موضع خود انجامید، می‌توان ماجرا را حول شکاف «چپ/ راست» ارزیابی کرد. چپ (شامل اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی) علیه خواست راست (مختار ساختن کارفرمایان در اخراج کارگران) به پا خاست و در این میان دولت که همسو با جریان راست عمل کرده بود، ناچار به پذیرش دست‌کم بخشی از مطالبات چپ شد. در این مورد شکاف بر مبنای مسئله «برابری» شکل گرفت و چون قانونی مغایر با اصل برابری (به عنوان یکی از شعارهای سه‌گانه انقلاب فرانسه) در شرف تصویب بود، واکنش گسترده اجتماعی را برانگیخت و نیروهایی که به این مسئله اصلی حساس بودند، در دو سوی یک شکاف بنیادین در برابر هم قرار گرفتند.

اما در همه موارد شکاف‌ها چنین آشکار و شفاف نیستند. گاهی در یک جامعه و در یک موضوع خاص چند شکاف اجتماعی ظهور و بروز می‌یابد (و یا دست‌کم پتانسیل ظهور و بروز دارد). این مسئله در جوامع در حال گذار رایج‌تر است. چرا که در این جوامع، هنوز شکاف‌های اصلی و زمان‌بری چون «دموکراسی/ اقتدارگرایی» و یا «سنت/ مدرنیته» به سرانجام نرسیده‌اند و در این میان، شکاف‌های خردتری هم حادث می‌شوند و عرصه اجتماعی (و به تبع آن، عرصه سیاست) را پیچیده و پرچالش می‌سازند. در این میان، کار جوامعی چون ایران که در کنار مسئله گذار، سابقه تاریخی گسترده و حوادث پردامنه را نیز پشت سر دارند، باز هم دشوارتر و کلافشان سردرگم‌تر است. در چنین جامعه‌ای است که ناگهان حادثه‌ای رخ می‌دهد که در بطن خود می‌تواند یک شکاف کلان و یک یا چند شکاف خرد را فعال سازد (مثلاً در انتخابات ریاست جمهوری اخیر در کنار شکاف اصلی «دموکراسی/ آمریت»، شکاف‌های خرد قومیتی و طبقاتی هم فعال شد) اما عجیب‌تر آن است که در چنین جامعه‌ای گاه حادثه‌ای رخ می‌دهد که هر دو شکاف عمده «دموکراسی/ آمریت» و «سنت/ مدرنیته» فعال می‌شود و جالب آنکه صف‌آرایی‌ها به شکلی نامتقارن شکل می‌گیرد. *

ادامه در صفحه ۴

صفحه اول

ایران در صدر اخبار آلمان

آرش فرح‌زاد: روز اول مه (روز جهانی کارگر) در آمریکا تعطیل رسمی نیست اما روز گذشته در بسیاری از شهرهای آمریکا از جمله در لس‌آنجلس که مهاجرپذیرترین شهر آمریکا است صدها هزار نفر به خیابان‌ها ریخته بودند تا اعتراض خود را نسبت به اصلاح قانون مهاجرت در آمریکا اعلام کنند. روزنامه‌های روز گذشته نیز این موضوع را به عنوان تیتر یک خود مورد توجه قرار داده بودند. «لس‌آنجلس تایمز» می‌نویسد: «روز گذشته یک میلیون نفر در خیابان‌های لس‌آنجلس و در حالی که پرچم‌های آمریکا را در دست داشتند در اعتراض به تغییر در قانون مهاجرت راهپیمایی کردند. اگر بخواهیم انصاف داشته باشیم باید حق را به این معترضین داد. آنها در سال‌های اخیر از نظر اقتصادی و سیاسی کمک زیادی به آمریکا کرده‌اند.» در آلمان روزنامه‌های این کشور سفر آتی آنگلا مرکل صدراعظم آلمان به آمریکا را مورد توجه قرار داده بودند. «تاگس اشپیگل» این سفر را تحت تاثیر بحران هسته‌ای ایران می‌داند و می‌نویسد: «اگر بگوییم آلمان نقشی بسیار مهم در بحران هسته‌ای ایران دارد سخنی به گزاف نگفته‌ایم. اگر قصد استفاده از گزینه نظامی در برابر ایران مورد توجه قرار گیرد نظر مرکل می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد. مشخص است که فرانسه توانایی مدیریت این بحران را ندارد و انگلیس نیز بسیار جانبدارانه عمل می‌کند. دیگر کشورهای اروپایی هم که نقشی در این میان ندارند. مرکل و بوش باید تمام توان خود را به کار ببرند تا روسیه و چین را هم به جبهه متحدین خود در برابر ایران اضافه کنند.» «زوددویچه سایتونگ» نیز خواستار اقدام جدی‌تر از سوی آلمان و آمریکا شد و نوشت: «مرکل و بوش باید پیامی صریح خطاب به پوتین ارسال کنند و از او بخواهند به جبهه متحدین آمریکا بپیوندد. هر چقدر که در جنگ عراق، آلمان مواضعی مخالف با آمریکا داشت در مورد ایران کاملاً با آمریکا موافق شد و این استراتژی موفقیت‌آمیزی خواهد بود.»

بسته های کمک آموزشی
ویژه دانشجویان و فارغ التحصیلان حقوق
آزمون های وکالت، کارشناسی ارشد، سردفتری،
قضاوت، مشاوران حقوقی و پیام نور
انتشارات: ۴-۸۸۹۶۸۳۳۳ آموزش: ۸-۸۸۹۸۶۲۷۷
نمایشگاه بین المللی کتاب: سالن A ۳۸ غرفه ۲۵
موسسه فرهنگی و انتشاراتی طرح نوین

خانواده های محترم فرزین و کریمیان
درگذشت نابهنگام بانوی فداکار و نوع دوست، موسس و مدیر عامل موسسه خیریه شکوفه های بلوچستان سرکار خانم ماندا کریمیان را به شما و جامعه خیرین مدرسه‌ساز و نیکوکاران و فرهنگیان کشور تسلیت عرض می‌نماییم. روحش شاد و راهش پر رهرو.
حمید الله سردار زهی، احمد چابک، خلیل الله درخشان

هفته نامه شرق
فردا ضمیمه روزنامه شرق

با اشتراک اگر مشکلی ندارید در رابطه حتی هم
با ما تماس بگیرید!
واحد اشتراک روزنامه شرق
تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹ نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵